



هفته نامه فرهنگی، خبری  
مدرسه دانشجویی قرآن و عترت  
دانشگاه تهران  
سه شنبه  
۱۰ خرداد ۱۳۹۰  
شماره ۴

## امام محمد باقر (علیه السلام) می فرماید:

به فرموده علی (علیه السلام) شخص فقیه و آگاه به مسائل دین، قرآن را به دلیل علاقه به چیزهای دیگر ترك نگوید، و بدانید در قرائتی که تدبیر و چاره اندیشی در آن نباشد خبری نیست.

معانی الاخبار ج ۲ ص ۴۶

## امام خمینی (رحمة الله علیه) می نویسد:

نخستین سوره قرآن را هم اگر با تدبیر و چشمی غیر از این چشم انداز حیوانی بنگریم و بی حجابهای ظلمانی و نورانی به او برسیم، چشمه های معارف به قلب سرازیر شود.

صحیفه امام ج ۱۸ ص ۴۴۴

## شروع ترم جدید دوره های تدبیر

ترم جدید دوره های آموزش تدبیر در قرآن مدرسه دانشجویی قرآن و عترت :

از هفته دوم تیرماه آغاز می شود. برای ثبت نام از هم اکنون به دفتر مدرسه دانشجویی مراجعه کنید.

آدرس: بلوار کشاورز، خیابان ۱۶ آذر، پلاک ۲۵، طبقه ۲ | تلفن: ۰۹۱۲۵۵۴۹۸۴۴ و ۸۹۶۸۳۰۹ | www.QuranEtratSchool.ir

## به نام سلام

## تنها نیستیم

یکی از اهداف کاشف ایجاد حرکت بیشتر و کمک به تقویت همدلی میان واحدها و افراد مختلف مجموعه مدرسه دانشجویی است. فعالیت های جمعی و گروهی با خروجی های مشخص و مفید یکی از مواردی است که بی تردید تأثیر بسزایی بر این مهم خواهد داشت. پس کاشف هم ایجاد این گونه فضاها و تشویق و ترغیب به چنین فعالیت هایی

کتابچه سوره هاست که مدتی است زمین مانده و امیدواریم با ساختاری جدید و به روشی متفاوت به زودی اجرایی شود. اما من و شما نباید منتظر دعوتی برای لبیک گفتن باشیم. چرا ما دعوت کننده نباشیم؟ باور کنیم که برداشتن پرچم های بر زمین مانده وظیفه ماست. پرچم را برداریم و صدا بزنیم. اگر هم کسی دعوت ما را اجابت نکرد، به تنهایی حرکت را شروع کنیم. مطمئن باشیم کسی هست که با لبخندی آسمانی حرکت ما را زیر نظر دارد. او ما را تنها نخواهد گذاشت.

## ۴. آموزش های تئوری و عملی خانواده با برگزاری کلاس

و استفاده از کتاب و جزوه و صوت.

۵. تربیت افرادی که بتوانند تولیدات فرهنگی مختلف در زمینه های داستان، فیلم، کلیپ، برنامه های رادیویی و تلویزیونی و... داشته باشند برای قابل فهم کردن مفاهیم قرآنی.

حال باید دید که مدرسه دانشجویی قرآن و عترت :  
و واحد آموزش در هر کدام از این زمینه ها تا چه حد موفق بوده، الآن چه می کند و برای آینده چه برنامه هایی دارد؟

ادامه دارد

مشخص فعالیت می نماید:

۱. برگزاری کلاس هایی که دانشجو با گذراندن آنها بتواند بدون توجه به رشته تحصیلی اش، به شبهات مذهبی و اعتقادی روز پاسخ دهد.
۲. برگزاری دوره هایی برای انس با قرآن و برقرار کردن ارتباط با آن و یادگیری و تمرین روش های مختلف تدبیر در قرآن، که این حیطه محور اصلی فعالیت های واحد آموزش است.
۳. تربیت پژوهشگر برای تولید علم در زمینه های علوم انسانی و ...

## واحد آموزش

واحد آموزش مدرسه دانشجویی قرآن و عترت : از سال ۸۴ تا امروز در حال فعالیت است. هر آموزشی طبیعتاً هدف بخصوصی را دنبال می کند و بجاست که بپرسم هدف واحد آموزش مدرسه دانشجویی چیست؟

مسئول واحد آموزش مدرسه در پاسخ به این سؤال عنوان کرد که این واحد در پنج حیطه با خروجی های

## کاشف

مریـم فردوسی

هیجان انگیز و بیش از آنچه فکر می کنیم لازم و ضروری است. راستش این است که فکر می کنم شرط انصاف نباشد می سیراب و شاداب قد بکشیم و جوانه هایی در کنار ما از عطش خشکیده باشند. فریاد العطش از همه عالم بلند است دوستان، پس یا علی مددی!

مساوی نیست کور و بینا. | مساوی نیست سایه و داغی بی سرپناهی. | مساوی نیست زندگان و مردگان. | مساوی نیست ذکر شنیدن و در قبر بودن. | قانون هستی این است ... (برگرفته از سوره مبارکه فاطر)

## مساوی نیست

آن که برای خدا بال بال می زند | و آن که در پیله فربه می شود! | پروانه خدا باش ...

انسان در عالم هستی موجودی تک بعدی و بی ارتباط با دیگر اجزای هستی نیست، بلکه تعامل انسان با نیروهای درونی خود، دیگر افراد جامعه انسانی، و البته مواجهه او با نظام هستی است که لحظه لحظه او را می سازد. بدین ترتیب لازم است تا انسان نظام تدبیر و ربوبیت الهی را در سه ساحت وجودی خود، جامعه و هستی مورد بررسی قرار دهد.

کتاب حاضر سعی نموده تا ضمن بررسی و تبیین موضوع تدبیر، نحوه عمل و استفاده از آن را در ساحت وجودی انسان شناسایی نماید.

چاپ اول و دوم این کتاب اسفند ۸۹ توسط انتشارات کتاب فردا در ۴۰۰ نسخه به چاپ رسیده است.

آن نام برده شده است.

بر این اساس تدبیر به معنای هماهنگ سازی خود در راستای نظام تدبیر و ربوبیت الهی، مهمترین حقیقتی است که عاقبت انسان را رقم زده و بر تمامی ابعاد وجودی او سیطره دارد، به نحوی که حتی عملکرد توانمندی ها و قوای مختلف انسان نیز، بر اساس آن سامان یافته و در مسیر رشد و بالندگی خود قرار می گیرد.

با مطالعه آیات و روایات به خوبی مشاهده می شود که توجه به عاقبت و حرکت بر اساس آن، مهمترین عاملی است که نظام تفکر، تعقل، عزم و اراده و البته عمل صالح را در انسان فعال می نماید.

## معرفی کتاب

## تدبیر؛ چیست، چرا و چگونه

هستی هر چیز در عالم از خداست و در نهایت نیز به او بازخواهد گشت. طبیعتاً تدبیر جزء جزء نظام هستی بر اساس این عاقبت است و این حقیقت که بر کل نظام هستی سیطره دارد، تحقق مقام تدبیر و ربوبیت الهی است. بر این اساس لازم است تا انسان با شناخت نظام تدبیر حاکم بر عالم هستی، افکار، افعال و اعمال خود را در راستای آن برنامه ریزی نماید، تا بدین ترتیب به سعادت و رستگاری حقیقی نائل شود. فرایند حاضر چیزی است که در قرآن و روایات، تحت عنوان تدبیر از

## خوشه چینان

### نشست انجیر و زیتون

فاطمه صادقی قهرودی

مداد و کاغذی برمی دارم و سوره تین را مقابلم می گذارم و با خودم می گویم کاری ندارم که الآن یک متن باحالی می نویسم و فردا خوش خوشان در نشست می خوانم و اسم خوشه چین وحی را برای خودم ثبت می کنم. نوک مداد را روی کاغذ می گذارم. بسم الله الرحمن الرحيم والتین والزیتون... خب سوره تمام شد حالا چی بنویسم. مداد را مدام در مغزم فرو می کنم نه هیچ هیچ. بگذار سوره را یک بار دیگر بخوانم... یک بار دیگر... یک بار دیگر... هرچه سر و ته سوره را نگاه می کنم آتش متنی بیرون نمی آید و حتی سوژه ای هم به ذهنم نمی رسد. من نمی دانم پس این همه سوژه را چگونه کشف می کنند؟! روز موعود دست از پا درازتر وارد همان سالن ۵۰ نفری می شوم. مثل این که ما ایرانی ها عادت کرده ایم که همه جا دیر برویم، همه برنامه های اجرا کنندگان نشست هم ردیف باشد باز دوستان فکر می کنند

یک ربعی دیر شروع می شود و دیر تشریف می آورند و با سالن خالی هم که این بندگان خدا نمی توانند نشست را شروع کنند. این جاسالن رازی دانشکده داروسازی سومین نشست ادبی خوشه چینان وحی؛

بعد از توضیح مختصری از سوره توسط آقای چیت چیان و آقای رجبعلی متن ها خوانده شد. این را هم بگویم که مجری تغییر پیدا کرده بود. یک مجری پای تریبون و دو کارشناس پشت میز روی سن. دو کارشناس هم در بین حضار در سالن. (البته شما دوستان را از کارشناسان برای عدم ریا فاکتور گرفتیم).

از متن اسم اس گرفته تا شبیه سازی مسابقه دو، از ارتباط بین سوره انشراح با سوره تین تا «هذا» ی هذا البلد الامین سوره. از متنک آقای رضازاده گرفته تا متن طولانی خانم پورصالحی. یکی هم از مشهد از همان به قول خودش طور سینای ایران متن فرستاده بود. خلاصه تا ساعت ۶ یکسره متن خوانده می شد. جالب بود در آن بین خانمی را دیدم که خواب بعد از ظهرش را آورده بود در سالن و بعضی از دوستان گپ و گفتگوی دوستانه شان را و بعضی دیگر سؤال از اساتید را. به نام خدا اینجا نشست ادبی خوشه چینان وحی است نه جای دیگر.

بله اینجا نشست ادبی خوشه چینان وحی است و من اندر خم یک کوچه که این همه سوژه را چرا من متوجه اش نشدم. بعد که خوب فکر کردم یاد حرف های هفته پیش افتادم که اینجا صرفا یک جلسه ادبی نیست و دوستان بعد از بحث علمی متن ادبی می نویسند. کاشف به عمل آمد که چرا نمی توانستم متن بنویسم. باید اول سعی می کردم سوره را خوب متوجه شوم و بعد از فهم مختصری از سوره متن می نوشتم. و اینجا بود که پی به پیش زمینه های علمی این نشست بردم که مرحله متن ادبی برای سوره نوشتن مرحله ای بعد از فهم سوره است. در نتیجه این نشست نسبت به کلاس مروری بر سوره های قرآن کریم درجه علمی اش یک درجه بالاتر است.

امید به این که دو هفته بعد بتوانم با دست پر به نشست سوره مبارکه علق بیایم. ان شاء الله

راستی یادم رفت بگویم پذیرایی این هفته هم یک برگه کف دستی با متنی یک خطی از سوره بود به همراه زیتون و انجیر. البته بگذریم که سهم ما از آن همه، عددی بیش نبود و سهم بند پای ها کاسه ای. (به کارشناس ها که عدش هم نرسید)

## سوره نگاه

### تین، سوره دین

«والتین والزیتون ﴿۱﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿۲﴾ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿۳﴾»

قسمی که به انجیر و زیتون خورده شده بیشتر ناظر به سرزمین آنها است. علی الظاهر سرزمین انجیر و زیتون خاورمیانه است و خاورمیانه سرزمین قریب به اتفاق انبیای الهی است. «طور سینین» هم همان طور سینا است، همان کوه کوتاه تپه ماندنی است که در آنجا به حضرت موسی (علیه السلام) وحی شده است. «و هذا البلد الامین» هم که قسم به سرزمین مکه است که شهر امن و سرزمین حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) است. چرا باید به سرزمین انبیا قسم خورده شود؟

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿۴﴾»

خداوند می فرماید که ما انسان را در بهترین حالت قوام و قیام آفریدیم. یعنی بهترین موجودی که در عالم قیام می کند انسان است. یعنی انسان بهترین حالت ساختار درونی را دارد که به قیام ختم می شود. و وقتی می توان گفت یک موجود در بهترین حالت قیام است که در بدترین شرایط بتواند بهترین برافراشتگی را داشته باشد. پس این که انسان «فی احسن تقویم» است یعنی ساختارش را طوری آفریده اند که اگر مانند یک دانه در پایین ترین حالت و در بدترین زمین کاشته شود، بهترین ثمره از او دریافت می گردد.

«ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿۵﴾»

(این عبارت دو تعبیر دارد که در این نگاه، از یک تعبیر که حضرت علامه (رحمه الله علیه) در رساله ولایه بیان کرده اند استفاده شده است) خداوند می فرماید همان انسانی را که در بهترین حالت قوام و قیام آفریدیم، می فرستیم در پایین ترین مرتبه هستی، اسفل سافیلین. ولی آدم ها آنجا نمی مانند. چون «فی احسن تقویم» هستند، می توانند رشد کنند و بالا بیایند. اما به چه واسطه ای؟

«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ﴿۶﴾»

به واسطه ایمان و عمل صالح (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ). خداوند می گوید ما انسان را جوری آفریدیم که هر جا قرار گیرد می تواند رشد کند. او را به پایین ترین عالم می فرستیم، از همان جا به بالاترین رشد می رسد. «الا» در این آیه یعنی همه آدم ها به اینجا می آیند ولی اینجا نمی مانند. این مهم ترین تفاوت انسان با موجودات عالم است. علتش این است که ملائکه اگر اوج دارند به اسفل سافیلین نیامده اند. حیوانات و گیاهان اگر به اسفل سافیلین آمده اند اوج ندارند. انسان تنها موجودی است که به اسفل سافیلین آمده ولی اوج دارد. موجودی است که تا اسفل سافیلین

آمده ولی تا ملکوت هم بالا می رود. البته بالا رفتن او به واسطه ایمان و عمل صالح است. همان طور که در آیه ۱۰ سوره مبارکه فاطر می فرماید «إِلِيهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ».

«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿۶﴾»

اسفل سافیلین محدود است و انسان چون از این اسفل سافیلین محدود بالا می رود، بی نهایت اجر می برد. یعنی خداوند دستگاهی ساخته که محدود را به نامحدود تبدیل می کند و این خیلی استثنایی است که به یک دستگاه، محدود بدهند و نامحدود بگیرند. دستگاه انسان است، محدود عمل دنیایی است (بستر عمل، دنیاست و در غیر این دنیا دیگر عمل نداریم) و نامحدود، اجر غیرممنون است. انسان موجودی است که از عمل محدود اجر نامحدود تولید می کند. برای همین است که به سرزمین انبیا قسم می خورد، چون قدمگاه برترین انسان هاست، پیامبر پایش را روی زمین گذاشته. آنجا گوشه ای از اسفل سافیلین است که ملکوت در آنجا پایش را گذاشته روی زمین. چقدر بد است که آدم ها بخوانند از مکان اعتبار بگیرند. اساسا در عالم قرار است همه هستی از آدم اعتبار بگیرد. مکه چون قدمگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) است اعتبار پیدا می کند. کعبه به حیثیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) کعبه است (و انت حل بهذا البلد)، اعتبار اولیه اش هم به خاطر حضرت آدم (علیه السلام) است. برای همین امام باقر (علیه السلام) می فرمایند بعد از این که به دور کعبه طواف کردند باید بیایند خدمت امام. کعبه اصلی امام است، در اصل باید دور امام طواف کنند.

«فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدَ الْبَلَدِينِ ﴿۷﴾»

روش تبدیل کردن اعمال محدود به اجر نامحدود، دین است. دین همان چیزی است که به وسیله آن می شود محدود را به نامحدود تبدیل کرد و انصافا هیچ انسانی در زندگی اش چیزی بهتر و بالاتر از این نمی خواهد. دین همه آنچه را که انسان می خواهد به او می دهد، پس چرا باید دین را تکذیب کنند؟ مگر دین با چه چیزی مشکل دارد؟ آیا این دین دوست داشتنی نیست؟ انصاف است که آدم این دین را تکذیب کند؟

«أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ﴿۸﴾»

آیا این نظامی که خداوند طراحی کرده نهایت حکم و حکمت نیست؟! آیا این خدا احکم الحاکمین نیست؟ خدایی که اولاً انسان را به گونه ای خلق کرده که می تواند با پست ترین ماده بی نظیرترین محصول را بدهد، ثانیاً با وجود این که همه امکانات را در اختیار انسان قرار داده، روش رسیدن به این محصول بی نظیر و بی نهایت را هم معرفی کرده و ثالثاً این روش را به صورت کلی بیان نکرده، بلکه قانون های آن را ریز کرده و برای انسان به صورت دستورالعملی اجرایی با کارهای جزئی درآورده است. تو دوست نداری چنین دستورالعملی داشته باشی؟!